

مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام
 صاحب امتیاز روزنامه هفتگی
 و یومیه (جبل المتین)
 (عنوان مراسلات)
 طهران خیابان لاله زار
 نائب مدیر میرزا سید حسن کاشانی
 دبیر ادارہ انا شیخ یحیی کاشانی
 غیر از روزهای جمعه همه روز
 طبع و توزیع میشود

مجلس الملئین

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالیا

طهران ۴۰ قران
 سایر بلاد داخله ۴۵ قران
 روسیه و قفقاز ۱۰۰ مانت
 سایر ممالک خارجه ۳۰ قرانك
 (قیمت يك نسخه)
 در طهران يكصد دینار
 سایر بلاد ایران سه هاهی است

قیمت اعلان سطرى

دو قران است

روزنامه یومیه ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه
 با امضاء قبول و در انتشارش اداره آزادات

دوشنبه ۱۶ رجب المرجب ۱۳۲۵ هجری قمری و ۸ شهر نورماه جلالی ۸۲۹ و ۲۶ اوت ۱۹۰۷ میلادی

سه هیئت متصاه

هرکس ساعتی مدولی را دیده و در جوی آنها
 بنگر کرده است میدانند چندین قسم چرخها در آنجا تنبیه
 شده که یکی سریع الحركت است و دیگری کند و بطیئتی
 یکی بزرگ است و دیگری کوچک اتصال و ارتباط اینچرخها
 و وضع تنبیه آنها جور است که حرکت هر کدام بسته
 به حرکت دیگران است هیچک را بجهت نصب نکرده اند
 و بدون لزوم نگذارند هر کدام را بردارند فوراً تمام
 از کار افتاده و وجود همه عاطل و بیکار میگردد و از جموع
 اینحرکات متوالیه بزرگ و کوچک تند و کند يك حرکت
 منظمی که نماینده ساعات شبانه روزی است تولید میگردد
 اگر قدری فکر کنیم ملتفت میشویم که مخترع این
 اساس چقدر که خود را بزحمت انداخته و چه سالها
 تجربها کرده و امتحانات زیاد نموده تا عقبت موافق باین
 اختراع بزرگ شده است — دستکاه اداره سلطنت نیز
 مثل دستکاه ساعت مبتنی بر سه هیئت معتبره است که
 بنابه چرخهای ساعت هستند وضع ارتباط و اتصال آنها
 طوری و تنبیه مقرر شده است که هر کدام محرک دیگری
 است و اگر هر يك را از وسط برداریم مابقی باطل میشود
 حالا چه زحمتها کشیده و چه در حکماء دانشمند عمر
 خود را صرفی اینکار کرده و تجارب فراوان نموده اند
 تا آخر الامر غلطها را همه اصلاح و از این هزار ترتیب این ترتیب
 صحیح را انتخاب نموده و چه فواید بر هر کدام مترتب
 است شرحی مبسوط لازم دارد که اکنون ما را مجال
 آن بیانات نیست امروز میخواهم وضع این سه هیئت را
 بطور اختصار عرض کنیم و تکالیف هر یک را معلوم بنمائیم

تاملوم شود علت اینکه تاکنون اوضاع دولت ما مرتب نبود
 و بهر کار دست میزدیم بدان مدتی زحمت و دوندگی
 عاقبت خسته شده و فساد و نگرانی بودیم و بالاخره
 مجبوراً او را ترک می کردیم چه بوده است
 اولی را هیئت مقننه میگویند (کرنل پارلیامنت)
 شغل این هیئت وضع قانون ملکی و ملی است و اینکار
 در دو اطاق مرتب میشود اطاق مبعوثان که مجلس شورای
 ملی باشد و اطاق اعوان که مجلس سنا میگویند پاره
 مطلب را مجلس مبعوثان نوشته و تصحیح کرده باطاق
 سنا میفرستند تا حک و اصلاح شود و بعضی را اول مجلس
 سنا نوشته و امضاء کرده بمجلس مبعوثان ارسال میدارند
 و این دو مجلس باتفاق یکدیگر باید کار کرده قوانین را
 ایجاد نموده بدست قوه مجریه بدهند فقط عمل مالیه
 و بودجه جمع و خرج بمجلس مبعوثان است و رای آنها
 در اینقره اعتبار تام دارد که اگر سناء هم امضاء نکند
 و اختلافی پیدا شد حکم مجلس مبعوثان مقدم است —
 این هیئت که عبارت از اجراء دو اطاقها باشد که یکی
 و کلاء ملت اند که مستقیماً ملت خودش انتخاب می کند
 و دیگری اعیانند که دولت بتنهائی یا بتوافق ملت منتخب
 میکند حق مداخله در امور جزئیه ندارند و خود نمی
 توانند مباشر امور بشوند فقط در بعضی موارد حق
 پرسش و مؤاخذه دارند چنانکه در تکرارات روزانه می
 خوایم که در مجلس شورای فلان آدم از فلان وزیر
 بعضی توضیحات خواسته است خلاصه آنکه با شخص
 هرگز طرفی نمیشود در کلیات صحبت دارند این است که کمتر
 عرض و خلاف در کار آنها واقع میشود زیرا که قانون
 را هر طور وضع کنند فائده بجان آنها ندارد و نمی

پانها نمیرسد —
 دومی را
 باشد از اعضاء
 ایستکه کالی را
 نوشته شده که
 مین میکنند که
 دزدرا در-ق
 مباشر اجراء
 قنوی دادن و
 قضای تحکیم که
 قسم قاضی است
 میکند و محاکمه
 دیگر قاضی
 مجتهدی اذن
 مقام حکم رجوع
 مینماید یا در مقام
 ندارد قنوی بد
 دارند چندین
 معلوم کرد فلان
 از روی کتاب
 ثبت است حکم
 که بمقام اجراء
 سیدی هیئت
 وزراء و آنچه
 نظمی و بلدی و
 هیئت اخری
 میسازند یعنی
 باداره حکومت
 قانون و حکم قاض
 بر هیئت مقننه
 است با شخص
 شود و همچنین
 هر چه بدانها
 باقضات است که
 و اگر بنا باشد
 بازادی نخواهند
 اساسی قید شد
 ژوزها را ندار
 حال بینیم مانع
 ؟ واضح است که
 یعنی اگر بر طبق
 نکرد نزد مجلس

یادها نمیرسد —

دویمی را هیئت افتائیہ یا قضائیہ میگویند که عبارت باشد از اعضاء محکمه ها و قاضیها و مفتیها کار این طایفه اینستکه کاری را با افراد مطابقت میکنند مثلاً در قانون نوشته شده که دزد را باید دست برید اینها موضوع را معین میکنند که فلان شخص دزد است و باید قانون دزد را در حق او اجراء میکرد اینها هم خود نمیتوانند مباشر اجراء بشوند یعنی دست دزد را ببرند فقط کار اینها فتوی دادن و قضاوت کردن است و خیلی شبیه اند بقاضی تحکیم که در میان ماممبول است چون در میان مادو قسم قاضی است یکی آنکه خودش مجتهد است هم مرافعه میکند و محاکمه مینماید و هم حکم کاری قضیه را میدهد — دیگر قاضی تحکیم که خودش مجتهد نیست لکن از یک مجتهدی اذن گرفته . محاکمه میکند و بعد از ثبوت در مقام حکم رجوع بر ساله مجتهدی که از او اذن گرفته مینماید یا در مقام تفریز از مجتهد مییرسد خودش حق ندارد فتوی بدهد - اعضاء هم در فنک همین حکم را دارند چندین جلد کتاب قانون در نزد آنهاست و تئیکه معلوم کرد فلان آدم مرتکب چنان گناهی شده حکمش را از روی کتاب قانون واری کرد. بر طبق آنچه در کتاب ثبت است حکم میکند انوقت میدهد دست او مجریه که بمقام اجراء بگذارد —

سیدی هیئت مجریه است که عبارت باشد از کابینه وزراء و آنچه در تحت تبیت آنها است از قبیل اداره نظمیة ولدیة و احتساب و حکام و غیره هر یک از این دو هیئت اخیری شب خود را بتمام ولایات و قسبات ممتد میسازند یعنی قضات در تمام ولایت مسافند و ربطی بداره حکومت ندارند کار این هیئت مجریه فقط اجراء قانون و حکم قاضی است و قدرت تخلف از آنرا ندارد — بر هیئت مقننه احدی ایراد ندارد زیرا که بحث آنها کاری است با شخص خاصی طرفی نیستند که کسی از آنها مکرر دود و دود همچنین قوه مجریه زیرا که آنها حکم مأمور را دارند هر چه بدانها میگویند رفتار میکنند پس عمده طرفیت مردم باقضات است که هر روز با چندین نفر طرفی میشوند و اگر بنا باشد مردم دستی بقضات داشته باشند هرگز بازادی نخواهند توانست حکم کنند بنابراین در قانون اساسی قید شده که احدی حق عزل قضات و رؤسها را ندارد و هرگز خلع از عمل نمیتوانند حال بینیم مانع از خیانت هر یک از این سه هیئت چیست ؟ واضح است که هیئت مجریه مسئول عمل خویش است یعنی اگر بر طبق قانونیکه در دو مجلس نوشته شده رفتار نکرد نزد مجلسیان مسئول و مؤاخذ است و اگر فتوی

قاضی را اجراء نکرد نزد قاضی مقصر است پس دو هیئت اول مراقبت در کار هیئت سیم دارند و بعضی آنکه اندک سلب اطمینان آنها شد فوراً هیئت مجریه باشد سکناره کند و استفتاء بدهد و همچنین هیئت اول مراقبت از هیئت دویم دارد یعنی اگر قضات برخلاف قانون حکم دادند فوراً در نزد مجلسیان مشغول شده و در محکمه علیا رسیدگی و مجازات میشوند آمدیم سر هیئت مقننه مراقبت در صحت اعمال و حرکات این طایفه با عموم ملت است که متوجه آنها بوده نگذارند مرتکب خلافی شوند و همچنین صرفه و صلاح ملت را از دست ندهند و بر طبق میل عموم رفتار کنند . اینجک قوه منبیه یا منبیه لازم است که خیالات عامه را بحرکت بیاورد و کار را به آنها یاد بدهد تا آنها زور بمجلس آورده . مجلس را تابع خیالات خود سازند این قوه بزرگکه در لئوس تمام ملت تاثیر میکند عبارت است از جراند و روزنامهها — در جنگ روس و عثمانی مجلس شورای انگلستان اول بیطرفی را اختیار کرده مداخله بین متخاصمین نمیکردند تا آنکه کار بالا گرفت و روس بحوالی اسلامبول ورود کرد روزنامهجات لندن مصلحت مفصله در این خصوص نرشته ضرر دولت و ملت را در این بیطرفی آشکار کرده مداخله دول و جلو گیری روس را واجب شمرده چنان هیجانی در ملت تولید نمودند که چهار صد هزار نفر دور مجلس شورای اجتماع کرده مجلسیان را مجبور نمودند که حکم بمداخله کنند فوراً دستهای کشتی جنگی در حرکت آمد و همان تفاسیل که شیده آید روس را قهرماً از اسلامبول خارج و مجبور بحالجه نمودند — از این بیان معلوم شد که مجلسیان تابع آراء ملت باید باشند و جراند مولد خیالات و آراء عمومی هستند و اهمیت جراند ازین مختصر بین آشکار گردید —

خلاصه مذاکرات مجلس دار الشوری

(شنبه ۱۴ شهر رجب المرجب)

بعد از قرائت و تصحیح چندین مواد از نظامنامه وزارت داخله مذاکره در خصوص اغتشاش رشت شده و اظهار شد که جمعی از طلاب و اساتذ حاضر شدند با حاجی میرزا محمد رضا شریعتمدار میگویند اولاً کیلان در عداد ایالات و باید در رشت انجمن ایالتی و در سایر جاهای کیلان انجمن ولایتی تشکیل شود و ثانیاً انتخابات اعضای انجمن باید از روی تمام قوس باشد نه از روی طبقات شش گانه آذی حاجی خماسی و جمعی بر ضد این مطلب میگویند و چون مسئله میر احمد با آن دختره هم در این بین پیش آمد این هم باعث مزید اغتشاش شد لذا

قرار شد که در مجلس این مسئله مذاکره شود و قطع شده
تکرار شود که رشت داخل در ولایات است نه ایالات
و انتخاب هم معلوم شود که بچه میزان و ابعاد باید باشد
بعضی از وکلاء اظهار داشتند که رشت بواسطه اهمیت
آن و کثرت تجارت و ثروت و ملاحظات و حیثیات خارجه
و داخله و چنانچه در سابق هم باسم ایالت موسوم بود باید
داخل در ایالت باشد و انتخاب هم چنانچه در مجلس
تصویب شده از روی تعداد نفوس باشد مذاکرات زیاد
در این باب شد بعضی بواسطه اهمیت و رفع اغتشاش گفتند
اگر چه رشت ولایت است ولی عدد و کلاء را دوازده
نفر نمایند تا جمع بین الحقیق شود آقای آقامیرزا سیدمحمد
مجتهد اظهار داشتند که امروزه این انجمنهای متعدده و
مختلفه که معلوم نیست اشخاص آنها کی و مقصود آنها
چیست باعث اغتشاش و هرج و مرج مملکت و بعضی از
و کلاء که معلوم نیست صحت انتخاب آنها یا بعضی از
و کلاء خائن روی هم رفته باعث شدند نزدیک است مملکت
و ایاد بدهند آخر این قدر انجمن برای چه انجمن صحیح اگر
باشد باید مشغول اصلاح داخلی خود باشد نه مداخله
در امور مملکتی نماید و چرا مجلس در باب بعضی از
و کلاء مسامحه دارد بعضی از و کلاء اظهار داشتند که
این اغتشاش و تحریک از اینجا شده و مقصود وکیلالتجار
بود تکرار مفصلی از معاضد السلطنه که مامور انتخاب
بود فراموش شد که خلاصه آن مشتمل بود بر اینکه این
تحریک و انگشت از طهران شده که باید حتماً استنادگی
کنید و انجمن ایالتی بخواهید و فعلاً انتظام آنجا از
عمده من خارج است بعضی اشخاص را باید تبعید کرد
ولی حالا مشکل است تکرار دیگر از تجار آذربایجان
مقیمین رشت بتوسط قی زاده و حاجی میرزا ابراهیم
آقا قرائت شد که آنچه را مجلس رای داده بود نباید
بر گردد و ما هم راضی نخواهیم گشت ملاحظه حفظ
اموال و حقوق ما را هم بشناید بعد از مباحثات و مذاکرات
زیاد با حضور معاون وزارت داخله قرار شد که رای
بگیرند اولاً رای گرفتند که گیلان ایالت باشد یا ولایت
اکثریت آراء بر ولایت بودن شد ثانیاً رای گرفته
شد که از طبقات شش گانه انتخاب شوند یا تعداد نفوس
اکثریت بر انتخاب از طبقات شش گانه شد ولی چون
شاهزاده و قاجار در رشت کم میباشند بنامش که آنها هم
جزو اعیان و اشراق محسوب بشوند علیحده وکیل نداشته
باشند و از اصنافی بواسطه کثرت شان دولفر منتخب بشوند
(مجلس ختم شد)

(مکتوب یکی از مشتریان محترم از کرمان)
حق مقام اخبار نگاری این اوقات اگر مخبرین محترم

بدن گویند و ما را هدف ملامت قرار ندهند عین حماقت
است خواهند گفت بچه دلیل میگویم . ملاحظه فرماید در آن نیست
رنج خود و زحمت مردم دادن در مملکتی که علم نیست
چهل عموم افراد ملت را احاطه نموده دشمنی وطن را
وطن پرستی نامیده از شرفی بلفظ قناعت کرده از دین
داری فقط ببنام کردن بدون حقیقت و اجماع ظاهری
ساخته بالکل از حقیقت دور و از شرایط مسلمانی مهجور
اخبار است که باعث اطلاعات از اوضاع زمان است که بداند
دول مقتدره چه طور ممالک عالم را زیر و زبر کرده چه
نشیها که پایمال عساکر آنها شده چه علما که ذلیل گشته
احکام قرآن و سنت را نافی اساس تمدن و تهذیب دانسته
یری علما جز نماز جماعت یا ساز اموات اختیاری نگذارده
حکم یهود دارند بلکه پست تر اخبار بنویسند بلکه خواندن
اخبارات را بد میدانند

و از بی اطلاعی تصور میکنند این ریاست های ظاهری
و این کستان ایران را به تیول ابدی آنها دادند در این صورت
حاصلی برای تحریر مالیات ماه اجز افتضاحات نزد اغیار
ندارد دلیل عدم وطن پرستی چیست ما میگوئیم چون
خاک ایران آشفته بخاک و خون و گوشت و پوست پدران
واجداد و احفاد ما میباشد در آن نشو و نما کردیم باید اورا
دوست بداریم یعنی حفظ نمائیم آبد کنیم محترم داریم
اساس مذهب ما برین است (حب الوطن من الایمان)
دروغ میگوئیم یک قبرستانی در کرمان است تمام قبور
پدران و مادران دختران و پسران علما سادات مادران
موجود است ادعی دین داری میکنیم ادعی وطن پرستی
داریم خود را اشرف مخلوقات میدانیم ولی اراضی قبرستان
را که مرحوم آقا صادق مجتهد رحمه الله نوشته بتصرف
قبرستان داده بگیرند می فروشند خانه و دولا میسازند
احدی در این شهر از عالم و جاهل حاکم و محکوم نیست
بگوید چرا این اراضی را تصرف مینمائید
نظام نام رسیده عوام که بگی نمی فهمند خواص
با هم تفاق دارند

بعضی میخواهند عرض بخرج دهند یکی دو نفر
بمن چه بظفره کناره دارند بعضی عوام بر علما طعن میزنند
که چه طور در اخبار مجلس نمره ۱۳۳ بالاتفاق در مکتوب
کرمان در امنیت شهر و رفاهیت و فراوانی ارزاق اتفاق
فرموده اید در اساس مجلس و انتخابات چرا یک ساعت اتفاق
تصیفرمائید بعضی در جواب انکار برخی بالحاق مطالب
از خود را از مسئولیت خارج می نمایند بعضی در منابر میگویند
شمانیاید درد خود را بگوئید نادانانیم بلی یکنفر ذاکر
طهرانی وثوق الواعظین بیچاره حالا شش ماه است شب و
روز در مقام مجلس در خاصیت مشروطه و انتخابات و تقویت مجلس
مجلس بجاعله بعضی میگویند هر جمعی منتقد می شود هر

مجلس بر پایه
ظاهر نمیشود
و عصیت ما
و بیس با موا
تپیدا مرشود
شدت استبداد
بهمین قسم
جناب
کرمان منکر
بعضی اخبار
لاکن
و آقا سید علی
که اراده دا
کند حقیقت
امروز هر که
مشروط که
در آن نیند
چون حکم
میگوئیم باز
مجاهد است
الحق سه ط
گذاری است
ملی دویم
شده است
سید
داده بکس
تکدی نمایند
الحق صاحب
قدر ذات
دو ساعت
پایمال و شار
امجد آن
را گرفته در
در بار
تصیفر ال
پای سخن
امروز حرکت
میشود به
مدنی ملی
که اسباب
حکم دهات
عرام

مجلسی برپا میشود گویند اوست لکن اسوس که اثری ظاهر نمیشود خون در ابدان ماها تمام شده عرق غیرت و عصیت ماها قطع شده چیری که نازه پیدا شده گرمه و بیس بامواجبات و لباس لکن دزدی که می شود دیگر نه پیدا میشود نه صاحب مال خود را می بیند قدری هم در استبداد دردها زیادتر است دیگر معلوم نیست سال تازه نیز

بهمین قسم باشد یا آنکه تغییر بهم خواهد رسانید جناب آقا باقر و ولد ارجمند ایشان را تا بحال مردم کرمان منکر مجلس و هواخواه مستبدین میخوانند چنانچه بعضی اخبارات دال بر صدق عرض نگارنده است

لاکن روز قبل در خانه جمعی بوده امام جمعه و آقا سید علی نیز تشریف داشته در باب انتخابات گفتگو بوده که اراده دارند اعلان داده شروع نمایند با انتخابات خرا کند حقیقت بهم برسد البته ماضی ماضی گذشته ها گذشته امروز هر کس در هر وقت حامی مجلس باشد رو بخدا رفته مشروط که فعلیت داشته باشد و باخر برسد غرض شخصی در آن نبند لکن عوام فضول و یاوه گو میباشند میگویند چون حکم تبعید آقا زاده رسیده است باین خیال افتاده اند میگویند باز هم غنیمت است در هر حالت حامی مجلس مجاهد است

الحق سه طایفه در کرمان خدمتی بوطن کرده حق شکر گذاری آنها را باید ادا نمود یکی احداث مدرسه نصرت ملی دوم شرکت دار لصناع پارچه های وطن که شروع شده است

سیم انجمن سادات که سادات را پول داده سرمایه داده بسپ و در رفت و عاجزین آنها را خرج داده که دیگر تکدی نمایند و شرف اجداد بزرگوار خود را حفظ نمایند الحق صاحب شرع مطهر را از خود رضی فرمود چه قدر ذلت و در مساجد پای مار خورد آنها یا آقای واعظ دو ساعت بجهت آنها نغمه می نمود شرف سیادت را پایمال و شارع مقدس را ناراضی میکردند که ذلتی به اولاد اجداد آن بزرگوار ثابت می شد پدرهای آنها دست اطفال را گرفته درب حجره کدائی باها می آموختند

در باب انتخابات مضمی میگویند در کرمان صورت نمیگیرد الا کسی از طهران ما مور گردد اهالی طهران پای سخن که سالهاست اخبار میخوانند داعیه تمدن دارند امروز حرکات و حشیانه آنها در اخبارات خارجیه درج میشود بعوض همراهی باین نعمت خداداده یعنی مجلس مقدسی ملی چه مفایرت ها و ضدیت ها از آنها بروز میکند که اسباب مضحکه و مسخره عقلای عالم شده اند کرمان حکم دهات دور از مرکز را دارد عوام بیچاره تسلیم میباشند تمام انقلابات از بعضی

مفرضین است و تا رؤسای ما جدا در مقام اصلاح امور مجلس و اجرای قوانین بر نیایند بکن قوامی برای مملکت بهم نخراند رسید در هر شهر يك وجود کافی برای انتخابات لازم است

(تلکرافتی جان سوز)

از طرف انجمن برادران دروازه قزوین بتاریخ نهم شهر رجب المرجب ۱۳۲۵

خدمت . . . مدیر محترم جریده مقدس جبل المتین دامت تائیداتهم عرضه میدارد تلکرافتی از رئیس ارانته ارومی به مضمون ذیل بانجمن برادران دروازه قزوین رسیده مقرر فرمائید در جریده مقدس درج فرمائید (از ارومی بطهران نمره ۵ - ۷ رجب)

حضور مبارک اعضای محترم انجمن مقدس برادران دروازه قزوین زید . توفیقاً بهم از مضمون تلکرافتی فوت نمود اخوت مشحون عموم ملت ارانته ارومی باعث فوت قلب و نهایت امتنان و تشکر از مراسم مینه او و مخصوصاً از برادران وطنی حاصل گردیده رعایای ارانته دهات باران دوز از تعذبات اشرار و عشایر عثمانی خاصه اهالی نصارای دهات موافه گوار نابالوان از تجا و زات و اجتماع عساکر عثمانی غیر از مقتول و پراکنده بالغ دوهزار و هفتاد نفر که اضطراباً الان در ویس قونسلگری دیوات روس مقیم ارومی متحصن هستند خواه ملت ارانته و خواه ملت نصارای بنوعی مستاصل و منوبه و گرسنه میباشند که اعانه برادران اسلامی و ارانته نصارای مکنی نیست رئیس ملت ارانته ارومی

(اخبار مختلفه)

تلکرافتی خوی را در چند روز قبل کشته اند علت آن بوده که بعد از قتل و غارت اقبال السلطنه مردم چنان تصور کردند که محرک او تلکرافتی است از طهران بدو مخایره شد است لذا از تلکرافتی سواد تلکرافتی که از وزارت داخله بدو مخایره شد مطالبه کرده اند مشارالیه از ارائه تلکرافتی امتناع کرده و بدین سبب چندین ضربت بدو زده و او را کشته اند دراصفهان نیز بتلکرافخانه حمله برده تلکرافتی را اخراج کرده و اینک چند روز است که در تلکرافخانه بسته و باب مخابرات مسدود است -

تلکرافتی از اهل اصفهان نیز بواسطه کنگونی که با چند تن از اهل اصفهان پیدا کرده منزول شد و بملا اداره تلکرافخانه از اهل اصفهان تعطیل است -

(حسن الصیولی الکلهانی)